

اشارتی کوتاه بر نقش تعزیه مدرن آمریکای لاتین
در بارور ساختن شعور اجتماعی توده‌ها

در کشورهای مسیحی ثروتمند، اعیاد مولود مسیح و پساك نقطهٔ اوج مراسم و آداب مذهبی بشمار می‌آیند ولی در آمریکای لاتین، یعنی قارهٔ مسیحیان فقیر، چنین نیست. سرخپوستان بومی و دورگه‌های این شبه‌قاره نکبت‌زده، حالی و دماغی و ایضاً بساطی برای برپاداشتن اعیاد پرشکوه ندارند. تنها مراسمی که بادل و جان در آن شرکت می‌جویند هفتهٔ عزاداری به‌صلیب کشیدن عیسی مسیح است و بس. مصایب و مرگ مسیح، الم و عزا مفاهیمی است که مردم آمریکای لاتین عمیقاً درک و احساس می‌کنند: یعنی زندگی روزمره‌شان.

اکنون قرن‌هاست که کلیسای استعماری به انواع حیل و وسیله بومیان مستعمرات، از جمله آمریکای لاتین، را دعوت می‌کند تا خوبشتن را تسلیم سرنوشت تغییرناپذیر بنمایند و در برابر دشواری‌های دنیوی صبوری پیشه کنند، تا اجر اخروی نصیب‌شان گردد. از جمله این

قبیل تبلیغات می توان به تعزیه چهارده منزل مصایب عیسی مسیح - از آغاز محاکمه تا تدفین - اشاره نمود. معمولاً متن این تعزیه ذکر مصیبتی است از آلامی که مسیح بر اثر گناهان فردی انسانها متحمل گردیده؛ مثلاً منزل دهم راه پیمائی مسیح بسوی قتلگاه - که لباسهایش ربوده میشود - شکوه و گلایه ایست از گناه بی شرمی و بی حیاسی انسانها و الی آخر.

ولی امروزه در آمریکای لاتین از مراسم تعزیه خوانی برای بارور - ساختن شعور و آگاهی اجتماعی توده مردم استفاده می جویند: گناهان فردی را به گناهان جامعه مبدل می سازند و عیسی مسیح را بصورت برادری دنیوی، رنج دیده، بهره ده، غارت زده و بی دفاع می نمایانند. خطوط کلی تعزیه هایی را که امروزه در آمریکای لاتین به شیوه های نوین و با محتوای تازه ارائه میشود، میتوان چنین ترسیم نمود: عیسی مسیح از آنروه محکوم و صواب شد که موعظه هایش تهدیدی جدی برای نظام حاکم بشمار می آمد. یاغی ناصره مبلغ عدالت و برادری بود و خواستار امحای قوانینی که حیثیت انسانی، آزادی و استقلال را زیر پامی گذارند. و این بر حاکمان زمان گران می آمد.

رتال جامع علوم انسانی

در تعزیه برزیلی «Cristo Total»، که در اینجا ترجمه قسمت کوتاهی از آنرا نقل میکنیم، محاکمه عیسی مسیح به زمان حاضر منتقل شده است. این تعزیه برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ بصورت کار جمعی یک گروه ناشناس، که مایل به افشای نامش نبود، تولید یافت و چندین بار در استادیوم ای بزرگ اجرا شد و حتی از طریق رادیو نیز پخش گردید تا سرانجام دولت

نظامی برزیل، در سال ۱۹۶۴، ممنوعش ساخت. این تعزیه به شیوه تئاتر زنده اجر میشود که در آن خبرنگار یکی از فرستنده‌های رادیوئی، نقش مفسر را عهده‌دار است. قبل از شروع تعزیه بعنوان سرآغاز اعلام می‌گردد که:

« واقعه غم‌انگیز جلجتا^۱ همواره و در همه جا از نو تکرار میشود و در بیکاری، سوءاستفاده از قدرت، نابرابری اجتماعی، محاکمات و محکومیت‌های بی‌شرمانه تجلی می‌یابد. »

CRISTO TOTAL

بازیگرانی که روی صحنه ظاهر میشوند
۱ - بازیگران خاموش:

محافظین نظامی سوار بر موتورسیکلت - قاضی سوار بر اتومبیل
رو باز در حالیکه برای مشایعین دست تکان میدهد - همراهان قاضی -
منهم (عیسی مسیح).

۲ - بازیگرانی که در مباحثه شرکت دارند:

خبرنگار - مرد عامی - انقلابی - مالک عمده - روستائی به شهر

* Golgotha مسمی به کاسفر. کوهی است در حوالی اورشلیم که مسیح را بر فراز آن مصلوب ساختند.

کوچیده - سیاستمدار حرفه‌ای - کاتولیک متعصب (زن) - کارخانه‌دار.

خبرنگار : هنوز هم و کیل مدافعی برای متهم پیدا نشده است. این یکی از موارد معمول نقض اصول اساسی حقوقی است . نظر شما در باره این محاکمه چیست؟

مرد عامی : خوب، تا آنجا که دیده و شنیده‌ام افکار متهم کاملاً پسندیده است. مثلاً وی خواستار عدالت است. ما به افرادی احتیاج داریم که این فکر را به مرحله عمل در آورند . دولت باید از افکار او پیروی کند.

خبرنگار : حال که معتقدید حقیق با اوست ، حتماً از وی دفاع خواهید کرد.

مرد عامی : نه، نه. من فقط عقیده ام را گفتم . من سخنان این مرد را شنیده‌ام و تصور میکنم آنچه طلب میکند پسندیده است . ولی من به تنهایی کاری از دستم بر نمی آید . می‌بایست چیزی مانند جنبش ملی به حمایت از او برخیزد. ولی در این وضعیت؟ من همیشه می‌گویم زندگی کن و بگذار زندگی کنند.

خبرنگار : ولی شما میدانید که متهم احتمالاً محکوم به مرگ خواهد شد؟
مرد عامی : بله به یقین . ولی از دست من چه کاری ساخته است؟

خبرنگار : متشکرم و شما . شما عضو یک جنبش انقلابی هستید.

نظرتان درباره این محاکمه چیست؟

انقلابی : متهم فردی ضعیف النفس است . با افکاری آشفته . او مردم را به انقلابی مسخره و بی معنادار می کند. سرنگون کردن استبداد به کمک محبت و دوستی، چه حماقتی . آقای عزیز انقلاب را در روسیه و چین میکنند. با اسلحه. با نفرت. این مرد فاشیست است. صحبت از عشق در عصر قهر و خشونت! او باید از بین برود.

خبرنگار : متشکرم ... و در اینجا مالک عمده آقای «الف» رامی بینم . او نیز با علاقه فراوان جریان محاکمه را دنبال میکند. عالیجناب «الف» نظر شما چیست؟

مالک عمده: بسیار خوب . متهم بایستی محکوم شود . افکارش پوچ و بی معناست . او میخواهد که من زمین هایم را به دیگران ببخشم . میگوید روستائیان زیادی هستند که زمین ندارند و من مزارعی دارم که بایز نگهداشته ام . درست است . ولی این به شخص من مربوط میشود . مزرعه متعلق به من است . این مزرعه نسل اندر نسل در مالکیت خانواده من بوده است . و اگر در تمامی این اراضی کشت و کار نمیشود ، فقط بدان علت که خودم چنین میخواهم . در اراضی من فقط آن عده رعیت کار میکنند که لازمشان دارم و می توانم کنترلشان کنم . از آن گذشته وضع رعابای من عالی است . آنها منزلی دارند و تکه زمینی .

خبرنگار : آیا رعایای شما میتوانند آنچه را که در این زمین‌های گرانند
ومی‌دروند برای خویشتن نگهدارند؟

مالك عمده: آنها اجازه دارند ثلث محصولشان را برای خود نگهدارند.
به این ترتیب خوبی یا بدی وضعشان به خودشان مربوط میشود .
هر اندازه بیشتر تولید کنند، زندگی بهتری خواهند داشت.

خبرنگار : متشکرم. و پهلوی شما حضرت اجل را میبینم . شما یکی
از سیاستمداران مشهور این ناحیه میباشید. اجازه میدهید نظرتان
را درباره این محاکمه جویاشوم؟

سیاستمدار حرفه‌ای : با کمال میل. اجازه دهید قبل از هر چیز سلام گرم
را به تمام تماشاگران و شنوندگان محترم فرستنده ملی و
تمامی رأی دهندگان آگاهی که بمن رأی داده‌اند برسانم...
بدیهی است من برای نظریات دوست محترم عالیجناب «الف»
احترام کامل قائلم . من اصولاً یا بهتر بگویم تا اندازه‌ای با
نظریات ایشان موافقم. بدون تردید مهمترین نکته اینست که
به خاطر حفظ منافع و رفاه عموم ، دولت قانونی پای برجا
بماند. ما، نمایندگان قانونی ملت، از جانب ملت سخن میگوئیم.
ما بخوبی میدانیم که نیازمندی‌های جامعه ملی و منافع واقعی
ملت کدامند. اینکه آیا افکار متهم در جهت حفظ منافع بزرگ

«در اینجا بایکی از نمونه‌های نمایندگان ملی «دمکرات» قبل از به قدرت
رسیدن نظامیان برزیل مصاحبه میشود ، سیاستمدار حرفه‌ای خریدار شده و قابل
خریداری.

ملی است یا خیر، فقط در حد قضاوت ماست. از طرف دیگر
بنظر من متهم فرد خطرناکی نیست. خطا خواهد بود اگر
تصور کنیم که وی و دارودسته پیرانش تهدیدی جدی برای
قدرت دولت بشمار می آیند.

خبرنگار: در این صورت متهم را تبرئه می کنید؟
سیاستمدار حرفه ای: آقای عزیز، در کشور ما تقسیم قدرت حکمفرماست.
ما به استقلال قوه قضائیه احترام میگذاریم.
خبرنگار: با عرض تشکر..... و شما خانم محترم. شما ظاهرآ ناراحتید.

نظر شما چیست؟ متهم باید تبرئه شود؟
کاتولیک متعصب: نه، باید محکوم گردد، او اخلاق خانواده ها را خراب
می کند. با فاحشه ها حرف میزند. حتی مادر خود را نیز انکار
می کند. او رفقایش - خوب توجه کنید، پدران خانواده ها -
را ترغیب به ترک خانه، زن و بچه هایشان می کند و از آنها می خواهد
همراهی اش کنند تا افکار آشفته اش را اشاعه دهد.

خبرنگار: متشکرم..... اکنون کارخانه دار «ب» جلوی میکروفون قرار
دارند. نظر شما درباره این محاکمه چیست؟

کارخانه دار: این مرد يك انقلابی است. اگر به حرفهای او گوش کنند
باید فردا در کارخانه هایمان را ببندیم. شرکت در سود کارخانجات،
حق اعتصاب، افزایش دستمزد، محافظت بیشتر در برابر
خطرات ناشی از کار، مرخصی با حقوق..... می خواهم
بدانم اگر به این قبیل خواست ها ترتیب اثر داده شود، چه
برسر اقتصاد ما خواهد آمد.

خبرنگار: و کیل مدافعی پیدا نشده است. هم اکنون قاضی حکم اعدام را صادر خواهد کرد. خانم‌ها و آقایان توجه کنید، ما نخستین و تنها فرستنده‌ای هستیم که موفق شده است از قاضی تقاضا کند چند کلمه‌ای باشما سخن بگوید .

قاضی: من قضاوت را به مردم سپردم. ملت خواهان این حکم بود .
و این حکم ملت بود، ملت.

فریاد جمع: مصلوبش کنید، مصلوبش کنید. به صلیبش بکشید!
خبرنگار: ملت؟ آن مردم چه کسانی هستند، صف بی انتهای که آنجا کشیده است، هر یک با کولبار تمام هستی‌شان بردوش مردان، زنان، کودکان..... هموطنان شمال شرقی ما، انسانهایی از دنیائی که در آن راهی نیست، نه پزشکی، نه آموزگاری و نه حقوقی . این ملت چه میخواهد؟
روستائی: يك شمعون ديگر °.

خبرنگار: مردی که صلیب را از دوششان برگیرد؟

روستائی: بله، يك شمعون، يك شمعون واقعی. شمعون قلبی به اندازه کافی یافت میشود. يك اصلاحات کشاورزی و نه تقسیم زمین به عنوان تبلیغات انتخابائی . اصلاحات واقعی. ما میخواهیم از زمین معیشت کنیم نه آنکه بر روی آن از گرسنگی تلف شویم.
ترجمه منوچهر فکری ارشاد

• کسی که سربازان مزدور رومی مجبورش ساختند تا بجای عیسی مسیح صلیب را به دوش بکشد.